

<https://dorl.net/dor/20.1001.1.22517758.2022.12.7.1.2>

## کاوش عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی

فرشید خانجانیان<sup>۱</sup>، نادرقلی قورچیان<sup>۲\*</sup>، کامران محمدخانی<sup>۳</sup> و پیروش جعفری<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۶

### چکیده

پژوهش حاضر، با هدف شناسایی عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی انجام گرفته است. مطالعه‌ی پیش‌رو، با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و اتکا بر راهبرد نظریه‌ی داده بنیاد استراوس و کوربین (2007) و بکارگیری اسلوب کدگذاری باز، محوری و انتخابی با استفاده از نرم افزار Maxqda برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، واکاوی عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی پرداخته است. داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختار یافته با ۱۶ نفر از صاحب‌نظران و مدیران آموزش عالی دارای تجارب زیسته‌ی مرتبط و بهره‌جویی از شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند نظری و گلوله برفی (زنجیره‌ای) تا دستیابی به نقطه‌ی اشباع نظری گردآوری گردیده است. یافته‌های پژوهش به شناسایی عوامل زمینه‌ای (ساختار نظام آموزش عالی، فرهنگ دانشگاهی، دانشگاه سازگار شونده، رهبری هوشمند دانشگاهی و دانش پداگوژیکی) و مداخله‌گر (ویژگی‌های شخصی، اهداف متناقض، پیچیدگی شناختی دانشگاهی، اینرسی دانشگاهی، رفتار تسهیم دانش در آموزش عالی و شایستگی‌های مورد نیاز) ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی بر مبنای نظریه پردازی داده بنیاد منجر گردید.

**واژه‌های کلیدی:** خرد پداگوژیکی، پداگوژی، خرد، دانشگاه آزاد اسلامی.

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. استاد، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول) Naghourchian@gmail.com

۳. دانشیار، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۴. دانشیار، گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

## مقدمه

طور خاص شود که این امر نیز موجب سعه‌ی صدر بیشتر و عشق و محبت دلسوزانه و مشفقانه نسبت به دیگران می‌شود که بعد دلسوزانه‌ی خرد را نشان می‌دهد. همچنین خوداندیشی، عنصری اساسی در رشد خرد تلقی می‌شود (وستریت و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۸). نظریه‌های خاصی در مورد پرورش خرد در مدیریت آموزش عالی وجود دارد. نظریه‌هایی که بر خلاقیت (گیدلی ۲۰۱۶) و پیچیدگی (دیویس<sup>۱۲</sup> ۲۰۱۴؛ مورین<sup>۱۳</sup> ۲۰۱۱) تأکید دارند و پرورش خرد را نیز تسهیل می‌کنند. حالت‌های یادگیری متعددی را می‌توان به‌عنوان گام‌هایی به سوی خرد از طریق تعامل با هوش‌های چندگانه جستجو کرد. روانشناسان رشد ادعا می‌کنند که پیچیدگی، رویکردهای چندگانه، خلاقیت، تفکر دیالکتیکی، نسبی‌گرایی، خودبازتابی، توانایی مقابله با عدم اطمینان، زمینه‌گرایی و مسأله‌یابی، همه با خرد، مرتبط بوده‌اند. بتدریج، شیوه‌های سنتی جای خود را به رویکردهای جدیدی داده‌اند که خودمحور بوده و شامل یادگیری فعال، پردازش فعال اطلاعات، فناوری و برنامه‌های دنیای واقعی با الگوبرداری از تمرینات حرفه‌ای است (کامپو و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۱۹). تحولات اخیر خرد‌پداگوژیکی شامل تأکید بیشتر بر صدای دانشجو به‌عنوان شریک و ارائه‌دهندگان آموزش عالی است که به دنبال روش‌هایی برای برجسته کردن تمایز خود در یک محیط رقابتی هستند (ماتیوس و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۲۱). در نتیجه آموزش و تربیت مناسب برای آینده‌ی پیچیده، نیاز به توسعه‌ی قضاوت دارد که آن را خرد‌پداگوژیکی می‌نامند. لذا خرد‌پداگوژیکی یک مفهوم مبتنی بر فضیلت تدریس و آموزش با تمرکز بر خرد آموزشی و روش‌هایی است که می‌تواند به استادان و دانشجویان کمک کند تا به افراد خردمندگرا تبدیل شوند. پس پذیرش تفکر پیچیده و خلاق برای نشان دادن دانش از چند منظر در پرورش خرد در آموزش عالی مؤثر است که زمینه ارتقای خرد‌پداگوژیکی را فراهم می‌آورد (بیستا<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۴).

یکی از دغدغه‌های اصلی دانشگاه آزاد اسلامی به ثمر رساندن اهداف و رسالت‌های تعلیم و تربیت عملی (پداگوژی) در محصول و خروجی فرایند سیستم دانشگاه‌ها یعنی کیفیت دانشجویان در جامعه می‌باشد. با ارائه‌ی مدل ارتقای خرد‌پداگوژیکی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و همچنین گنجانیدن محتوای آموزشی مرتبط با مفهوم خرد‌پداگوژیکی در برنامه‌های درسی در راستای ادراک

وظیفه‌ی انسان‌ها تبدیل‌شدن به ربات‌های آموزش‌دیده<sup>۱</sup> یا کنترل‌گران بسیار ماهر<sup>۲</sup> دنیای فیزیکی نیست، بلکه تبدیل‌شدن به کنشگران در حال رشد، کاوشگر<sup>۳</sup> و خود ارتقایبخش<sup>۴</sup> تکامل روح<sup>۵</sup> است. اگر می‌خواهیم فراتر از مقاومت ذاتی خود در برابر خود متحول سازی<sup>۶</sup> باشیم، بجای تکبر فناورانه<sup>۷</sup> باید شگفتی بنیادی<sup>۸</sup> را پرورش دهیم. این وظیفه‌ی آموزش عالی در عصر ماست (گیدلی، ۲۰۲۱). استفاده از هوش و تجربه به‌عنوان میانجی ارزش‌ها در جهت دستیابی به یک دستاورد مشترک توصیفی از خرد می‌باشد (گلاک<sup>۹</sup>، ۲۰۱۷). یان سینوت<sup>۱۰</sup>، خرد را به‌عنوان ویژگی پیچیده و تلفیقی از اندیشه تلقی می‌کند و آن را صریحا با معنویت و خلاقیت پیوند می‌دهد (هیکنین و همکاران، ۲۰۲۰). مفهوم خرد در بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها چهره‌ی متفاوت اما معانی مشابهی دارد و دارای ویژگی‌های جهانی در ورای تنوع آن است (استاودینجر و گلوک، ۲۰۱۱). برای مثال، خرد به‌عنوان دانش فرد متخصص در زمینه‌ی فلسفه‌ی اصلی واقع‌بینی در زندگی (بالتس و استاودینجر، ۲۰۱۰)، دانش‌گرایی در مورد مسائل صحیح یک زندگی مطلوب (فیشر، ۲۰۱۵)، بینش و ادراک بسیار دقیق در باره‌ی خود و مسائل اصلی مربوط به هستی زندگی، به همراه پاسخ ماهرانه و خیرخواهانه (والش، ۲۰۱۵) و خودتعالی (لونسون و همکاران، ۲۰۱۵) توصیف شده است. بر اساس تحقیقات قبلی کلینتون (۲۰۱۱)، خرد را به‌عنوان ترکیبی از خصوصیات شخصیتی شناختی، تأملی و دلسوزانه توصیف می‌کنیم. بعد شناختی خرد تمایل شخص خردمند به ادراک عمیق حقیقت و جنبه‌های درون فردی و بین فردی در زندگی را توصیف می‌کند که پذیرش حد نهایی دانش، جنبه‌های مثبت و منفی ذات انسان و غیرقابل پیش‌بینی بودن و عدم قطعیت زندگی را شامل می‌شود. بعد تأملی خرد به توانایی شخص خردمند در شناخت و ادراک پدیده‌ها و وقایع از جنبه‌های مختلف و جلوگیری از ذهنیت و پیشگویی اشاره دارد که این امر مستلزم خودارزیابی، خودآگاهی و خویش‌نگری و خودمحوری تقلیل یافته است. خودمحوری تقلیل یافته به نوبه‌ی خود موجب ادراک بیشتر از زندگی به‌طور کل و افراد دیگر به-

<sup>1</sup> Well-trained automatons  
<sup>2</sup> Highly skilled manipulators  
<sup>3</sup> Questing  
<sup>4</sup> Self-transcending  
<sup>5</sup> Evolution of spirit  
<sup>6</sup> Self-transformation  
<sup>7</sup> Technological arrogance  
<sup>8</sup> Radical amazement  
<sup>9</sup> Glück  
<sup>10</sup> Sinnott

<sup>11</sup> Weststrate et al  
<sup>12</sup> Davis  
<sup>13</sup> Morin  
<sup>14</sup> Fuertes-Camacho  
<sup>15</sup> Matthews  
<sup>16</sup> Biesta

شود، چه موقع باید یاد گرفته شود، و اینکه به کمک استاد یاد گرفته شوند و استاد نسبت به آن باید پاسخگو باشد به‌عنوان تکنیک‌های پداگوژی برای انتقال مؤثر محتوا استفاده شده است (کلینتون<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). تحولات در حوزه‌ی تعلیم و تربیت و حضور رویکردهای یادگیرنده محور و یادگیری محور، تأکید بر نقش تسهیل‌گری استادان و همچنین توسعه‌ی پداگوژی به آموزش عالی، منجر به باز تعریف پداگوژی شده است و فهم پداگوژی محدود به تربیت کودک نیست، بلکه به‌عنوان مفهومی اساسی برای آموزش‌گری در دوره‌های تحصیلی دانشگاهی تلقی می‌شود (کرانن و همکاران، ۲۰۱۹). گرین و رید<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) پداگوژی را یک مفهوم چند بعدی حاصل پیوند عناصر هنر و علم، نظر و عمل می‌دانند. خرد از تفکر محض متمایز است. ممکن است خرد را به‌عنوان قدرت ذهن برای قدردانی از بینش‌های قلب در نظر گرفت. این مؤلفه‌ها به‌عنوان توانایی برای گوش دادن و همزادپنداری هستند. استرنبرگ بر اساس نظریه‌ی تعادل خود قبلاً به بحث در مورد توسعه‌ی شانزده اصل برای آموزش خرد پرداخته است که به‌طور کلی شامل خرد مدل‌سازی نقش، تشویق برای تفکر، نقد و ادغام ارزش‌های آنها، تفکر از طریق گفتگو و دیالکتیک و جلوگیری از خود بزرگ‌بینی است (هیکنین و همکاران، ۲۰۲۰). آموزش عالی به‌عنوان یک عمل خلاق در جستجوی خلقت که مفهوم جدیدی را به ارغان می‌آورد شناخته می‌شود. با ایجاد پیوند موردنظر استرنبرگ و سینات طی مطالعات انجام شده در بین خرد، خلاقیت، پیچیدگی و توانایی به دیدگاه‌های چندگانه، موضوع خرد پداگوژیکی گسترده‌تر شده است. به‌علاوه پیچیدگی به‌عنوان پیوندی بین وحدت و کثرت نقش مهمی در شکل‌گیری خرد در نظام آموزش عالی ایفا می‌کند. خرد پداگوژیکی مبتنی بر فضیلت در آموزش عالی و تربیت استاد می‌باشد (بیستا، ۲۰۱۴). از این رو، خرد پداگوژیکی شامل خردمندی الگوپذیری است که دانشجویان را تشویق می‌کند درباره‌ی ارزش‌های خود بیندیشند، انتقاد و ادغام کنند، به تفکر گفتاری و دیالکتیکی بپردازند و از منافع شخصی خودداری نمایند (گیدلی، ۲۰۲۱).

انبوهی از پداگوژی‌های تکاملی جدید طی سال‌های اخیر ظهور یافته‌اند. تحول آموزش عالی غالباً به‌واسطه‌ی دیدگاه فلسفی، ایدئولوژی یا الگوواره مورد تأیید آن محدود می‌شود. در مقابل، اصطلاحات پسا‌صوری و تکاملی

عمیق و حرفه‌ای به دانشجویان، مدیران و رهبران آموزش عالی یاری رساند و مبنای عملی را برای تحقق اهداف دانشگاه آزاد اسلامی در توسعه‌ی شناخت، تعالی افکار و شخصیت دانشجویان فراهم سازد. لذا با توجه به مباحث مرتبط با خرد پداگوژیکی، هدف این پژوهش توسعه‌ی شناخت، رسیدن به تعالی فکری و ارتقای رشد حرفه‌ای خرد پداگوژیک در آموزش عالی است. همچنین تاکنون پژوهش قابل اعتنایی در کشور که به بررسی ماهیت خرد پداگوژیکی پرداخته باشد، صورت نگرفته است و این تحقیق اولین پژوهش در باب شناخت و تبیین مفهوم خرد پداگوژیکی در جامعه‌ی مورد نظر یعنی در دانشگاه آزاد اسلامی می‌باشد. لازم به توضیح است خرد پداگوژیکی به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در حیطه‌ی آینده‌پژوهی آموزش عالی به‌عنوان جنبه‌ی نوآورانه‌ی رویکردها و سناریوهای رهبری و مدیریت دانشگاهی و فلسفه‌ی آموزش عالی مطرح می‌شود. آینده‌پژوهی قدرتی جادویی برای پیش‌بینی نیست، بلکه سامانه‌ی معرفتی و اجتماعی موثق و معتبری است که با تفکر انتقادی و خردورزی جمعی و با توسل به مطالعات و تأملات سامان‌مند و اعتباریابی شده، درک خود را نسبت به آینده و تغییرات پیش روی خودمان و محیط پیرامونی ارتقاء می‌بخشد. تاکنون در پژوهش‌های داخلی، هیچ‌گونه پژوهش جامع و یکپارچه‌ای در زمینه‌ی ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی، طراحی و تدوین نشده است. از همین رو، به لحاظ نظری، شناسایی عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی، آن را از دیگر پژوهش‌ها، متمایز می‌سازد. از جنبه‌ی کاربردی نیز، یافته‌ها می‌تواند مورد استفاده تمامی سیاست‌گذاران نظام آموزش عالی، مدیران، استادان و دانشجویان قرار گیرد. با توجه به توضیحات مطرح شده سؤالات پژوهش عبارتند از:

۱. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟ و
۲. عوامل مداخله‌گر مؤثر بر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟

### مبانی نظری پژوهش

پداگوژی، چارچوبی مفهومی است که هدایت‌گر فعالیت استادان است. گیدلی (۲۰۱۶)، پداگوژی دانشگاهی را سازمان‌دهی و عملیاتی کردن موقعیت‌های تدریس یادگیری در دانشگاه می‌داند. پداگوژی به معنای هدایت کردن فرد و به‌عنوان هنر و علم تدریس شناخته می‌شود. اینکه چه چیزی باید یاد گرفته شود، چگونه یاد گرفته

<sup>1</sup> Clinton

<sup>2</sup> Green & Reid

اجتماعی موجود می‌پردازند. همه‌ی این پدگژی‌ها با سبک‌های جدید تفکر مرتبط هستند که به شیوه‌ای تکاملی تحت تأثیر آموزش دانشگاهی قرار دارند (جاسکلا و همکاران، ۲۰۱۷). از این رو، پنج اقدامی که خرد پدگژی‌های را برای اعضای هیأت علمی و دانشجویان تقویت می‌کند:

- (۱) تأمل در عمل
- (۲) توسعه‌ی آگاهی فراشناختی و زبانی
- (۳) الگوسازی از آنچه آنها امیدوارند و انتظار دارند دانشجویان از نظر عمل انضباطی انجام دهند و توضیح این امیدها و انتظارات برای دانشجویان
- (۴) تمرین شفافیت آموزشی - اشتراک اهداف آموزشی و منطق آنها با دانشجویان خود
- (۵) دعوت از دانشجویان برای تأمل و گفتگو در مورد تجارب یادگیری، نیازها و اهدافشان (گیدلی، ۲۰۲۱).

### روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر جهت‌گیری‌های پژوهش، کاربردی؛ از نظر رویکرد پژوهش کیفی؛ از دیدگاه فلسفه‌ی پژوهش تفسیری است؛ استراتژی پژوهش، نظریه پردازی داده بنیاد به‌صورت سیستماتیک و از نظر رویکرد پژوهش، از نوع استقرایی است؛ هدف پژوهش، کاربردی و از لحاظ نتیجه، اکتشافی؛ افق زمانی پژوهش، تک مقطعی و شیوه‌ی گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی نیمه ساختاریافته است. علت استفاده محقق از یک روش خاص، به عوامل مختلفی بر می‌گردد که مهم‌ترین آنها سؤال تحقیق می‌باشد. هرگاه محقق در نظر داشته باشد تجارب و دیدگاه‌های افراد را به منظور صورت‌بندی یک نظریه مورد کاوش قرار دهد، نظریه‌ی داده بنیاد شیوه‌ی مناسبی خواهد بود (محمدپور، ۱۳۹۲). محقق که می‌کوشد معنا یا ماهیت تجربه‌ی افراد درگیر با مسائل خاص را دریابد، با ورود به صحنه زندگی واقعی و تأمل بر آنچه صورت گرفته است، بهتر موفق می‌شود. از سویی، روش‌های کیفی را می‌توان برای کشف عرصه‌هایی از زندگی که از آنها چیزی نمی‌دانیم یا بسیار می‌دانیم اما می‌خواهیم فهم تازه‌ای از آنها به دست بیاوریم بکار برده می‌شود. هدف اصلی تحقیق، تعیین کننده نوع روشی است که محقق می‌تواند بر اساس آن به شکل مطلوب‌تری به پاسخ سؤال دست یابد. محقق که قصد بررسی تجارب افراد به منظور خلق نظریه را دارد، می‌تواند از روش داده بنیاد به خوبی بهره‌مند شود (کرسول<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲).

آموزش عالی را به‌طور آگاهانه‌تری با تکامل خودآگاهی مرتبط می‌کنند که بدون آن ما نمی‌توانیم راهی را برای رویارویی و مواجهه با آینده‌های پیچیده کشف کنیم. گیدلی (۲۰۲۱) بالغ بر دوازده رویکرد پدگژی‌های را شناسایی نمود که تأثیر ویژگی‌های استدلال پسا‌صوری را به‌طور صریح یا ضمنی نشان می‌دهند. این رویکردها عبارتند از: پیچیدگی در آموزش عالی، پدگژی‌های انتقادی و پسااستعماری<sup>۱</sup>، آموزش زیست‌محیطی / بوم‌شناختی، آموزش آینده‌پژوهی، آموزش کل‌نگر<sup>۲</sup>، تخیل در آموزش عالی، آموزش تلفیقی، آموزش سیاره‌ای/ جهانی، آموزش پسا‌صوری<sup>۳</sup> در آموزش عالی، معنویت در آموزش عالی، آموزش تحول‌آفرین و خرد و معرفت در آموزش عالی. چنانچه اصطلاح پسا‌صوری به‌طور گسترده‌تری تفسیر شود تا تأثیر طیف وسیعی از ویژگی‌های پسا‌صوری از قبیل پیچیدگی، خلاقیت، تخیل، یکپارچگی، معنویت و خردورزی را در برگیرد، آنگاه تصویر خرد پدگژی‌های آشکارتر می‌شود (گیدلی، ۲۰۲۱).

بیشتر رویکردهای پدگژی‌های درصدد گسترش آموزش عالی فراتر از الگوی ساده پردازش اطلاعات بر اساس دیدگاه ماشین‌انگاره<sup>۴</sup> انسان به رویکردی کل‌نگرتر، خلاقانه‌تر، چندوجهی و مشارکتی هستند. تدوین هر نظریه آموزشی قلمرو پیچیده‌ای است و بدیهی است که تکامل اشکال آموزش عالی که به‌طور اصیل پسا‌صوری هستند، موضوع پیش‌پاافتاده‌ای نیست. تنها راهی که آموزش‌گران دوراندیش و نوآور می‌توانند انرژی کافی برای اعمال این نوع فراتغییر<sup>۵</sup> مورد نیاز جمع‌آوری کنند، از طریق گفتگوی پدگژی‌ها<sup>۶</sup> است (براشر، ۲۰۲۱). با انجام گفتگوهای بین کثرت‌گرایی غنی پدگژی‌های پسا‌صوری، می‌توانیم شروع به طراحی تصویری از تابلوی غنی تغییرات تکاملی کنیم که پیش‌تر رخ داده‌اند. مسئولیت تکامل جامعه و تعالی ساختارهای اجتماعی موجود، عمدتاً به عهده‌ی آموزش عالی است. این کارکرد خلاقانه‌ی آموزش عالی در کلیه‌ی فعالیت‌های آن است که به خودکارآمدی و دوام‌پذیری<sup>۷</sup> جامعه آن متکی است و فرهنگ‌ها را نقد کرده و بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌ها را به چالش می‌کشد (گرونسپان و همکاران، ۲۰۱۸). باوجوداین، در حال حاضر، خودآگاهی و تخیل آموزشی ما اغلب اوقات تحت محدودیت‌های ایدئولوژی‌های سیاسی عمل می‌کنند که بجای تحول اجتماعی بیشتر به بازآفرینی فرهنگ و ساختارهای

<sup>1</sup> Postcolonial Pedagogies

<sup>2</sup> Holistic Education

<sup>3</sup> Postformality

<sup>4</sup> Mechanistic view

<sup>5</sup> Meta-change

<sup>6</sup> Dialogue of Pedagogies

<sup>7</sup> Viability

جدول ۱- روش شناسی پژوهش

فلسفه	نوع پژوهش			استراتژی پژوهش	روش پژوهش گردآوری داده‌ها	جامعه آماری	روش نمونه گیری	حجم نمونه
	هدف کاربردی	نتیجه اکتشافی	رویکرد کیفی					
تفسیری نمادین	هدف کاربردی	نتیجه اکتشافی	رویکرد کیفی	نظریه‌ی داده بنیاد استراوس و کوربین	مصاحبه‌ی نیمه ساخت‌مند	صاحب‌نظران و مدیران اسبق و فعلی آموزش عالی کشور دارای تجارب زیسته‌ی مرتبط	هدف‌مند نظری تا رسیدن به نقطه اشباع	۱۶ نفر

پژوهش که نظریه پردازی داده بنیاد می باشد، نمونه گیری به شیوه نظری و با بهره گیری از تکنیک های هدفمند و گلوله برفی انجام شده است. حجم نمونه در این روش، در حین کار مشخص شد و نمونه‌گیری آن قدر ادامه یافت که داده‌ها به سر حد اشباع رسید. در این پژوهش با ۱۶ نفر مصاحبه انجام شده است. از مصاحبه سیزدهم به بعد مفهوم جدیدی به دست نیامد. با وجود این، برای حصول اشباع نظری سه مصاحبه‌ی دیگر نیز انجام شد. به هر یک از مصاحبه‌ها بازه‌ی زمان‌بندی چهل و پنج دقیقه تا نود و پنج دقیقه اختصاص گردید. مصاحبه های به عمل آمده که از جنبه‌ی ماهیت، اکتشافی تلقی می‌شوند، با مسأله اصلی تحقیق آغاز می‌شدند و در محور آن استمرار می‌یافتند.

جامعه‌ی آماری این تحقیق صاحب‌نظران و مدیران فعلی و اسبق آموزش عالی کشور می‌باشند. جهت تشخیص و شناسایی اعضای نمونه دارا بودن حداقل سه ویژگی از چهار ویژگی ذیل مدنظر قرار گرفت. ۱. مدیران دانشگاهی دارای حداقل ده سال سابقه‌ی اجرایی و تجربه-ی مفید دانشگاهی در زمینه‌ی رهبری و مدیریت آموزش عالی (رئیس دانشگاه، عضو هیأت علمی و مدیر گروه) در دانشگاه آزاد اسلامی. ۲. دارا بودن مطالعات و پژوهش‌های حرفه‌ای در زمینه‌ی پداگوژی، فلسفه‌ی آموزش عالی و آینده‌پژوهی آکادمیک. ۳. دارا بودن مرتبه‌ی استاد تمام و دانشیاری و دارای حداقل ده سال سابقه‌ی تدریس در دانشگاه. ۴. دارای تجارب زیسته در زمینه‌ی مطالعات خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی. با توجه به راهبرد

جدول ۲- اطلاعات جمعیت شناختی مشارکت کنندگان در فرایند مصاحبه

ردیف	جنسیت	تجربه‌ی زیسته	تخصص	سمت	مدت مصاحبه
۱	مرد	۱۶	مدیریت آموزش عالی	رئیس دانشگاه	۶۰
۲	مرد	۱۹	پداگوژی	مدیر گروه	۴۵
۳	زن	۲۱	آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۶۵
۴	زن	۲۰	پداگوژی	رئیس دانشگاه	۷۵
۵	مرد	۴۰	فلسفه‌ی آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۹۵
۶	زن	۳۷	فلسفه‌ی آموزش عالی	مدیر گروه	۸۰
۷	زن	۱۹	مدیریت آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۵۵
۸	مرد	۱۷	مدیریت آموزشی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۶۰
۹	مرد	۳۲	مدیریت آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۷۰
۱۰	مرد	۱۵	مدیریت آموزش عالی	رئیس دانشگاه	۷۵
۱۱	مرد	۱۲	مدیریت آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۶۵
۱۲	زن	۱۴	فلسفه‌ی آموزش عالی	مدیر گروه	۴۰
۱۳	مرد	۱۵	برنامه‌ریزی درسی	رئیس دانشگاه	۴۵
۱۴	زن	۱۷	مدیریت آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۵۰
۱۵	زن	۲۴	آینده‌پژوهی آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۶۵
۱۶	مرد	۲۶	آینده‌پژوهی آموزش عالی	عضو هیأت علمی دانشگاه	۸۰

شکل‌گیری مقوله‌های حاصل از مفاهیم با توجه به سؤالات پژوهش شرح داده می‌شود.

**کدگذاری باز<sup>۱</sup>** ابتدا تمام نکات کلیدی مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری شدند و پس از تحلیل، کدهای مشابه به مفاهیم خاصی، اختصاص داده شد. در مرحله کدگذاری باز، پژوهشگر با مرور مجموعه داده‌های گردآوری شده، مفاهیم آنها را شناسایی و تبیین نمود و در این مرحله بدون هیچ‌گونه محدودیتی به نامگذاری پرداخته شد. حدود ۴۳۰ نقل قول از مصاحبه‌ها استخراج شد که مبتنی بر همین روش، برای کلیه مقوله‌ها و مؤلفه‌ها، کدگذاری صورت گرفته شده است.

**کدگذاری محوری<sup>۲</sup>**: در فرایند کدگذاری محوری، مقوله‌های به دست آمده از فرایند کدگذاری باز در شش دسته شامل مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله‌گر، شرایط بستر، راهبردها و پیامدها شکل گرفته است. بنابراین می‌توان مقوله محوری را در مرکز قرار داد و سایر مقوله‌ها را به آن مرتبط نمود. برچسب‌های انتخاب شده برای مقوله محوری نیز انتزاعی بوده و در عین حال از جامعیت برخوردار است.

**کدگذاری انتخابی<sup>۳</sup>**: در کدگذاری انتخابی، پژوهشگر با توجه به کدها و مفاهیم شناسایی شده در دو مرحله ذیل به استحکام بیشتر فرایند کدگذاری پرداخت و کدگذاری‌های محوری صورت گرفته در دسته‌بندی‌های دقیق‌تر و کلی‌تری قرار گرفت که در جداول زیر، نتایج این دسته‌بندی‌ها ذکر شده است.

#### سؤال ۱. عوامل زمینه‌ای مؤثر بر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟

شرایط عمومی و گسترده‌ای هستند که بر توسعه، رونق و اهمیت پدیده تأثیرگذارند. شرایط زمینه‌ای در این تحقیق به همراه مفاهیم و کدها شامل مواردی است که در جدول ۳ ارائه شده است.

یافته‌های این پژوهش از طریق نرم افزار Maxqda

تحلیل شده است. بر اساس نتایج این مصاحبه، پرسش‌های اولیه‌ای که در راستای سؤال اصلی تحقیق فهرست شده بودند، مورد بازنگری قرار گرفتند. بنابراین، محورها و سؤال‌های مصاحبه به فراخور پاسخ‌های ارائه شده و بر اساس بازخوردهایی که از مصاحبه‌های اولیه به دست آمد، مورد بازبینی قرار گرفتند و بتدریج اصلاح شد. همچنین فن گلوله برفی برای دسترسی به دیگر نمونه‌ها مدنظر پژوهشگر قرار گرفت. طی فرایند پژوهش از روند کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد؛ زیرا این روند سبب می‌شود دلایل و شواهد اعتبار تحقیق روشن شود (محمدپور، ۱۳۹۲). با توجه به جدید بودن مفهوم خرد پداگوژیکی در ادبیات نظام آموزش عالی ایران، این نیاز ادراک گردید تا با استفاده از مصاحبه‌های عمیق کاوش-محور بر دیدگاه‌ها و تخصص‌های مدیران آموزش عالی، تمرکز بیشتری صورت گیرد و با استناد به نظرات خردمندان‌های خبرگان، مدل مفهومی پژوهش از غنا و کیفیت مطلوب‌تری برخوردار گردد. با در نظر گرفتن تفاوت‌های ملموس و بارز در عوامل محیطی ساختار آموزش عالی بین‌المللی، نسبت به محیط داخلی، پژوهشگر از تعمیم و تسری عینی یافته‌ها و دستاوردهای مطالعاتی سایر پژوهشگران اجتناب نموده و با اتکا بر انجام مصاحبه‌های عمیق مواجهه‌ای - مفهومی در جستجوی دستیابی به پاسخ‌های ناب و اثرگذار جهت تدوین یک مدل جامع کارآمد، مبادرت ورزیده است. در نتیجه با توجه به تناسب نظریه داده بنیاد با موقعیت پژوهش، این اسلوب و سیاق انتخاب گردید و ابزار اندازه‌گیری نیز پروتکل مصاحبه تعیین شد.

#### یافته‌های پژوهش

فرایند تحلیل اطلاعات در نظریه پردازای داده بنیاد مبتنی بر سه مرحله‌ی کدگذاری باز(خلق مفاهیم و مقوله-ها)، کدگذاری محوری (شناسایی مقوله محوری، شرایط علی؛ شرایط مداخله‌گر، بسترها، راهبردها و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) است که در ادامه نحوه‌ی

<sup>1</sup> Open Coding

<sup>2</sup> Axial Coding

<sup>3</sup> Selective Coding

جدول ۳- مقوله و مفاهیم شناسایی شده مرتبط با شرایط زمینه‌ای

مقوله اصلی	مفهوم	کدهای نهایی	فراوانی کد
شرایط زمینه‌ای	ساختار نظام آموزش عالی	ساختارها و فرایندهای متمایز	۸
		چشم‌انداز و مأموریت دانشگاهی	۱۲
		تدوین برنامه‌های راهبردی (استراتژیک) دانشگاهی	۱۳
		ارائه‌ی سیاست‌ها و خط مشی‌های ابلاغی	۱۲
	فرهنگ دانشگاهی	باورها و ارزش‌های غالب	۱۱
		مشارکت و کار تیمی	۱۵
		فرهنگ یادگیری	۱۴
		خرده فرهنگ‌های دانشجویان	۱۲
		اخلاق حرفه‌ای	۱۲
	دانشگاه سازگار شونده	رهبری متعهد	۸
		فرهنگ کارآفرینانه دانشگاهی	۱۲
		اداره‌ی اشتراکی	۱۱
		مدیریت حرفه‌ای دانشگاهی	۱۴
	رهبری هوشمند دانشگاهی	مدیریت بر مبنای هدف (عقلانی)	۱۰
		مدیریت بر مبنای هوش عاطفی (هیجانی)	۱۲
توسعه‌ی روحیه‌ی کار تیمی		۱۱	
مدیریت بر مبنای معنا (معنوی)		۱۴	
دانش پداگوژیکی	دانش مدیریت کلاس	۱۳	
	دانش روانشناختی	۱۲	
	دانش در حیطه‌ی راهبردهای تدریس	۱۰	
	دانش فناوریانه	۱۱	
	دانش ارزشیابی بهره‌ورانه	۱۲	
	دانش در زمینه‌ی طراحی برنامه‌ی درسی	۱۴	

مصاحبه‌ها، کدهای نهایی مطرح شده ساختارها و فرایندهای متمایز، چشم‌انداز و مأموریت دانشگاهی، تدوین برنامه‌های راهبردی (استراتژیک) دانشگاهی و ارائه‌ی سیاست‌ها و خط مشی‌های ابلاغی در نظام آموزش عالی ایران است که می‌تواند زمینه‌ی انطباق ساختار با ویژگی-های برنامه‌ها، انطباق ساختار با محیط اجرای برنامه‌ها و انطباق ساختار با اهداف برنامه‌ها را فراهم سازد.

**فرهنگ دانشگاهی:** بر اساس داده‌های به دست آمده از طریق مصاحبه‌ها، پردیس‌های دانشگاهی علاوه بر

**ساختار نظام آموزش عالی:** اصلاح تفکر و بینش، سنگ بنای هر تحول است. همین تغییر در نگرش‌هاست که به تحول نظام اجرایی در هر مجموعه منجر می‌شود. از آنجا که مساعدترین و حساس‌ترین موضوع در نظام فکری هر کشور، بخش تعلیم و تربیت آن کشور است و پویایی و خلاقیت این بخش به پویایی و تحول عمیق در سطح کشور می‌انجامد، لذا باید نظام آموزش عالی کشور را چنان متحول ساخت که بتواند انسان‌هایی آگاه، بااخلاق و خلاق تربیت کند. بر اساس داده‌های به دست آمده از طریق

**دانش پداگوژیکی:** اکثر مصاحبه‌شونده‌ها نظرشان بر این بود که استادان باید بتوانند ارتباط و هماهنگی لازم را بین دانش محتوایی و پداگوژیکی برقرار کنند. یعنی باید این دانش و شناخت را داشته باشند که برای تدریس هر موضوع خاص و همچنین برای تدریس به دانشجویان با تفاوت‌ها و محدودیت‌های مختلف باید از روش‌ها و راهبردهای نوآورانه استفاده کنند و در پی این ارتباط و هماهنگی در کلاس خود باشند. کدهای نهایی از دیدگاه صاحب‌نظران عبارتند از: دانش مدیریت کلاس، دانش روانشناختی، دانش در حیطه‌ی راهبردهای تدریس، دانش فناوریانه، دانش ارزشیابی بهره‌ورانه و دانش در زمینه‌ی طراحی برنامه‌ی درسی.

## سؤال ۲. عوامل مداخله‌گر مؤثر بر ارتقای خرد

### پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی کدامند؟

شرایط مداخله‌گر کلی و وسیع است که بر چگونگی کنش متقابل اثر می‌گذارند. در پژوهش حاضر و بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه‌ها مقوله اهداف سازمانی مبهم و فرایند محوری برای شرایط مداخله‌گر به دست آمده است که کدهای مربوط به آن در جدول ۴ نشان داده شده است.

کارکردهای آموزشی و پژوهشی می‌توانند مکانی برای جامعه‌پذیری علمی و انتقال هنجارهای علم و فرهنگ و بالندگی دانشجویان محسوب شوند. دانشگاه‌ها به مثابه‌ی نمادهای آموزش عالی، دارای شاخصه‌ها و کارکردهای ممتازی هستند که آنها را از سایر سازمان‌ها متمایز می‌سازد که می‌توان از این شاخصه‌ها به مثابه‌ی «فرهنگ دانشگاهی» نام برد. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته شده کدهای نهایی عبارتند از: باورها و ارزش‌های غالب، مشارکت و کار تیمی، فرهنگ یادگیری، خرده فرهنگ‌های دانشجویان و اخلاق حرفه‌ای.

### دانشگاه سازگار شونده: فرایند کیفی پژوهش

نشان می‌دهد که محیط بیرونی دانشگاه و همچنین نظام‌های دانشگاهی با چالش‌ها و پیچیدگی‌های فراوانی از جمله تحول در سیستم‌های آموزش عالی، تغییر و پویایی در بازاریابی آموزش عالی و اقتصاد آموزش عالی روبه‌رو شده است. از دید مصاحبه‌شوندگان مفهوم دانشگاه سازگار شونده، به مسأله ارتباط دانشگاه و محیط با توجه به تغییرات نوپدید می‌پردازد تا از طریق ایجاد تعادل پویا ماندگاری دانشگاه را در بستر تغییرات ممکن سازد. آنان ابراز داشته‌اند که دانشگاه برای اینکه در بستر تغییرات و پویایی جوامع علمی بقای خود را حفظ کند، نیازمند نوآوری و رویکردهای اصیل در سازمان دانشگاه است. با توجه به مصاحبه‌های صورت گرفته شده کدهای نهایی عبارتند از: رهبری متعهد، فرهنگ کارآفرینانه دانشگاهی، اداره‌ی اشتراکی و مدیریت حرفه‌ای دانشگاهی.

### رهبری هوشمند دانشگاهی: از دیدگاه مصاحبه

شوندگان پژوهش این فرایند در یک سیستم و سازمان مشخص با ارزش‌ها و فرهنگ مشارکتی روی می‌دهد که فضا کلان صنعتی و اجتماعی نیز بر آن تأثیرگذار است. همچنین اذغان می‌نمایند رهبری هوشمند با تأکید بر مدیریت بر مبنای هدف (عقلانی)، مدیریت بر مبنای هوش عاطفی (هیجانی)، توسعه‌ی روحیه‌ی کار تیمی و مدیریت بر مبنای معنا (معنوی) می‌تواند بر عملکرد استادان و مدیران آموزش عالی تأثیرگذار باشد و بر توسعه‌ی روزافزون و همه‌جانبه‌ی دانشگاه بیفزاید.



جدول ۴- مفاهیم و مقوله های شناسایی شده مرتبط با شرایط مداخله گر

فرآوانی کد	کدهای نهایی	مفهوم	مقوله اصلی
۱۲	نگرش	ویژگی های شخصیتی	شرایط مداخله گر
۱۱	درون گرایی / برون گرایی		
۱۱	باورها		
۱۰	تضاد در تصمیمات	اهداف متناقض	
۹	تعارضات گروهی		
۸	عدم اجماع در خروجی ها		
۱۲	پیچیدگی محیطی	پیچیدگی شناختی دانشگاهی	
۱۴	پیچیدگی جمعیت شناختی		
۱۵	پیچیدگی فردی		
۱۰	ترس از تغییر	اینرسی دانشگاهی	
۱۲	مقاومت در برابر تغییر		
۱۳	فقدان فضای رقابتی دانشگاهی		
۱۰	فقدان محرک ها و انگیزاننده ها جهت یادگیری نوآورانه		
۱۴	استرس و اضطراب تغییر		
۹	فقدان ادراک مناسب از تغییرات محیطی دانشگاهی		
۱۳	عادت به حل مسائل جدید با استناد به رویکردها و رویه های سنتی دانشگاهی		
۱۲	اعتقاد به سودمندی اشتراک دانش	رفتار تسهیم دانش در آموزش عالی	
۱۰	تخصیص زمان کافی جهت اشتراک گذاری دانش		
۱۱	توصیه و حمایت جهت اشتراک دانش		
۱۳	وجود اجتماعات کاری جهت اشتراک دانش		
۱۴	شایستگی فرهنگی	شایستگی های مورد نیاز	
۱۲	شایستگی علمی		
۱۰	شایستگی ارتباطی		
۱۲	شایستگی ادراکی		
۱۱	شایستگی آموزشی		

است و از آنجا که این فرایند به‌طور مستقیم با کسب مزیت رقابتی سازمان در ارتباط است، ضرورت دارد که دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نیز جهت بهبود عملکرد خود و دستیابی به مزیت رقابتی، فرهنگ اشتراک‌گذاری دانش را در محیط خود نهادینه کنند. از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان پژوهش اعضای هیأت علمی، به مثابه‌ی مهم‌ترین عنصر سازنده‌ی دانشگاهی در حوزه‌ی تولید دانش شناخته می‌شوند و مطمئناً موفقیت دانشگاه‌ها به توان علمی آنها و میزان همکاری‌شان با یکدیگر وابسته است. یافته‌های نشان می‌دهد اعتقاد به سودمندی اشتراک دانش، تخصیص زمان کافی جهت اشتراک‌گذاری دانش، توصیه و حمایت جهت اشتراک دانش و وجود اجتماعات کاری جهت اشتراک دانش کدهای نهایی مفهوم رفتار تسهیم دانش در آموزش عالی است.

#### شایستگی‌های مورد نیاز: تغییر بافت آموزش

عالی با تغییر نقش و مسئولیت‌های اعضای هیأت علمی همراه است؛ لذا لازم است اعضای هیأت علمی برای انجام وظایف و ایفای نقش‌هایشان، نگرش، دانش و تجربه و مهارت‌های خود در حوزه‌های مختلف را بکار گرفته و مطابق با تغییرات جامعه آنها را رشد دهند و از راهبردهایی در یاددهی و یادگیری استفاده کنند که این تفاوت‌ها را در نظر بگیرند. کدهای نهایی این مفهوم از دیدگاه صاحب‌نظران عبارتند از: شایستگی فرهنگی، شایستگی علمی، شایستگی ارتباطی، شایستگی ادراکی و شایستگی آموزشی.

**خلق نظریه** کدگذاری انتخابی بر اساس الگوی ارتباط شناسایی شده بین مقوله‌ها و زیر مقوله‌ها در کدگذاری باز و محوری، فعالیت را شروع می‌نماید. در نهایت ۶ مقوله، ۳۸ مفهوم و ۱۸۰ کد از فرایند کدگذاری باز شناسایی و استخراج شدند و نمونه‌هایی از کدهای مربوط به هر بعد در جداول بیان شدند. جهت نمایش بهتر و شفاف‌تر مدل به‌صورت زیر نیز ترسیم شده است. مدلی که با شرایط علی شروع می‌شود و به پیامدهای ممکن و مورد انتظار ختم می‌گردد. عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر در این مدل ترسیم شده است.

**ویژگی‌های شخصیتی:** داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکثر مصاحبه‌شونده‌ها به اهمیت ویژگی‌های شخصیتی استادان از جمله نگرش، درون‌گرایی/ برون‌گرایی و باورها به‌عنوان عامل مداخله‌گر در ارتقای خرد پداگوژیکی تأثیرگذار است. بنابراین باید استادان دانش و توانایی خود را در زمینه‌ی تقویت و ارتقای شخصیت و اخلاق خود بیشتر کند و روحیه‌ی متمایز و امیدوارانه‌ی نسبت به زندگی داشته باشند.

**اهداف متناقض:** از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان در برخی از فرایندهای عملکردی نظام آموزش عالی اهداف دارای ابهام و پیچیدگی است. بنابراین اهداف متناقض به-عنوان یک مفهوم مداخله‌گر با کدهای نهایی تضاد در تصمیمات، تعارضات گروهی و عدم اجماع در خروجی‌ها طی فرایند ارتقای خرد پداگوژیکی آموزش عالی محسوب می‌شود.

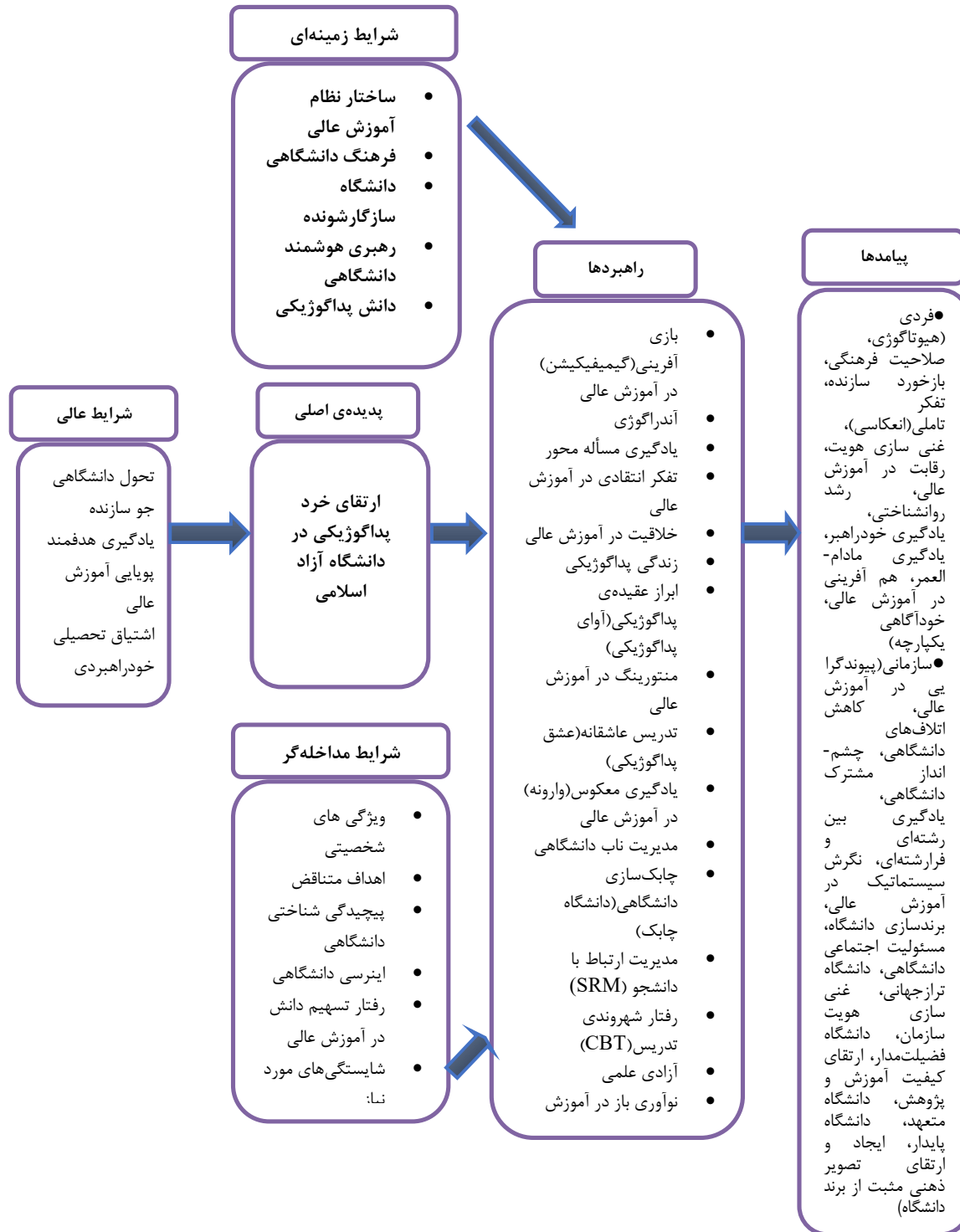
#### پیچیدگی شناختی دانشگاهی: طی فرایند کیفی

پژوهش مصاحبه‌شوندگان پیچیدگی شناختی را "پیچیدگی ساختاری سیستم ادراکی افراد در دانشگاه" تبیین نمودند. کدهای نهایی مفهوم عبارتند از: پیچیدگی محیطی، پیچیدگی جمعیت شناختی و پیچیدگی فردی.

**اینرسی دانشگاهی:** یافته‌های پژوهش نشان داد اینرسی دانشگاهی به علت مقاومت سازمانی در دانشگاه‌ها رخ خواهد داد و گاهی عدم رفع این مقاومت و ایجاد سکون در سازمان بخصوص نظام آموزش عالی که نیازمند انعطاف‌پذیری است، منجر به مشکلات جدی سازمانی خواهد شد. مخصوصاً دانشگاه‌ها که برای حفظ رضایت مشتریان و ذی‌نفعان، بقای سازمانی و پیشبرد اهداف عالی خود نیازمند تحولات کارآمد می‌باشد و این بایستی به کمک همگی افراد ذی‌نفع در سازمان و در راستای تقویت روابط داخل و خارج سازمانی صورت گیرد. کدهای نهایی مفهوم اینرسی دانشگاهی عبارتند از: ترس از تغییر، مقاومت در برابر تغییر، فقدان فضای رقابتی دانشگاهی، فقدان محرک‌ها و انگیزاننده‌ها جهت یادگیری نوآورانه، استرس و اضطراب تغییر، فقدان ادراک مناسب از تغییرات محیطی دانشگاهی و عادت به حل مسائل جدید با استناد به رویکردها و رویه‌های سنتی دانشگاهی.

#### رفتار تسهیم دانش در آموزش عالی: امروزه

بکارگیری فرایند به اشتراک‌گذاری دانش علاوه بر سازمان‌ها، در دانشگاه‌ها نیز به امری حیاتی مبدل شده



به منظور بررسی روایی محتوایی مدل از دو شاخص CVI و CVR بهره گرفته شده است. به این منظور از نظر خبرگان دانشگاهی که در فرایند تدوین مدل نیز

شکل ۱. مدل ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی  
برازش روایی و پایایی ابزار اندازه‌گیری کیفی

### نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

در این پژوهش تلاش شد تا با استفاده از رویکرد کیفی، عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی شناسایی گردد. در مراحل مختلف پژوهش حاضر به این حقیقت اشاره شد که هم‌آفرینی، مشارکت و دستیابی به رویکردهای فرا اثبات‌گرایانه دستاوردی ارزشمند در آموزش عالی می‌باشد و به این ترتیب فرایند کشف، نوآوری و خلاقیت تسهیل شده و تعاملی دو سویه صورت می‌گیرد. از سوی دیگر، گام‌های ارتقای خرد در بستر آموزش عالی وابسته به ادراک پیچیدگی، خلاقیت و شهود می‌باشد. پذیرش تفکر پیچیده و خلاق برای نشان دادن دانش از چند منظر در پرورش خرد آموزش عالی مؤثر است که زمینه‌ی ارتقای خرد پداگوژیکی را فراهم می‌آورد. با این رویکرد، هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل زمینه‌ای و مداخله‌گر ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه آزاد اسلامی بوده است. برای این منظور از رویکرد استراوس و کوربین در نظریه‌ی داده بنیاد استفاده شد و ابعاد و مؤلفه‌های نهایی حاصل ارائه گردید. ذکر این نکته ضروری است با وجود بهره‌مندی از مبانی خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی کشور، مطالعات نظری و دانشی این حوزه محدود و ناکافی است. بر همین اساس پژوهشگران در راستای ارتقای جنبه‌ها و ابعاد نظری و علمی حیطه‌های عملکردی و کارکردی خرد پداگوژیکی در نظام آموزش عالی فرایند پژوهش را پایه‌ریزی نمودند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که ساختار نظام آموزش عالی، فرهنگ دانشگاهی، دانشگاه سازگار شونده، رهبری هوشمند دانشگاهی و دانش پداگوژیکی از عوامل محیطی (زمینه‌ای) اثرگذار بر پیاده‌سازی خرد پداگوژیکی در آموزش عالی می‌باشد. از میان مفاهیم مزبور فرهنگ دانشگاهی همسو با مطالعه‌ی گرونسپان (۲۰۱۸) می‌باشد. همچنین مفهوم ساختار نظام آموزش عالی با دستاوردهای مطالعات براشر (۲۰۲۱) و گیدلی (۲۰۲۱) هم راستا هستند. پس از مطالعه‌ی شرایط علی، بایستی از بسترها و زمینه‌های مورد نیاز برای ارتقای خرد پداگوژیکی غفلت نشود و از اقدامات لازم برای بهبود شرایط زمینه‌ای استفاده گردد. با توجه به نتایج، لازم است تدوین ساختارها و فرایندهای متمایز با رویکرد راهبردی به همراه توجه به خرده فرهنگ‌های دانشجویان و استادان، تمرکز بر مشارکت و کار تیمی در محیط دانشگاه مدنظر سیاست‌گذاران و مدیران آموزش عالی قرار گیرد. همچنین

مشارکت داشته‌اند استفاده شد. برای سنجش شاخص CVR، میزان ضروری بودن مفاهیم مورد سؤال قرار گرفت و برای سنجش CVI میزان ارتباط کدهای نهایی با مفاهیم و مقوله اصلی مورد سؤال قرار گرفت. فرمول محاسبه شاخص CVR به صورت ذیل است. میزان  $n_e$  تعداد متخصصانی است که به گزینه ضروری پاسخ داده‌اند و N تعداد کل متخصصان است. میزان CVI نیز به صورت تجمیعی امتیازات موافق برای هر مورد تقسیم بر کل تعداد متخصصان است.

$$CVR = \frac{n_e - \frac{N}{2}}{\frac{N}{2}}$$

نتایج فرمول CVR برای همه شاخص‌ها بالاتر از ۰/۷۳ بوده که حکایت از روایی محتوایی مناسب ابعاد دارد. شاخص CVI نیز بر اساس فرمول ذیل محاسبه گردید:

تعداد تخصصی که به گزینه مورد سؤال داده‌اند

$$CVI = \frac{\text{تعداد تخصصی}}{\text{تعداد کل تخصصی}}$$

حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گوینه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد آن گوینه بایستی حذف شود. تمامی شاخص‌های مربوط به ابعاد امتیازی بالاتر از ۰/۸۶ درصد کسب کردند. برای سنجش تعیین پایایی نتایج کدگذاری مصاحبه‌ها، از توافق درون موضوعی دو کدگذار با روش کاپا استفاده شد. جهت تسهیل انجام این فرایند از یک دانش آموخته‌ی مقطع دکتری رشته‌ی مدیریت آموزش عالی درخواست شد تا به‌عنوان همکار (کدگذار) در اعتبارسنجی و ارزیابی طرح کیفی پژوهش مشارکت و همکاری نماید. اصول، الزامات و شیوه‌های کارکردی ضروری جهت اجرای مراحل کدگذاری مصاحبه‌ها بر اساس استراتژی داده بنیاد توسط پژوهشگر به ایشان آموزش داده شد. بسیاری از منابع در پژوهش کیفی، روش کاپا را نشان دهنده بالاترین استاندارد برای ایجاد پایایی می‌دانند. از طریق این ضریب، می‌توان میزان توافق دو اندازه‌گیری (توسط دو نفر یا دو ابزار یا در دو مقطع زمانی) را ارزیابی کرد. برای محاسبه پایایی کدگذاری‌ها در این روش، بعد از گذشت مدتی، به کدگذاری مجدد تعدادی از مصاحبه‌ها پرداخته شد که نتایج آن با استفاده از نرم افزار MAXQDA آزمون کاپا گرفته شده که با توجه به میزان عدد معناداری 0.82 مقدار آزمون که بالاتر از ۸۰ درصد است می‌توان ادعا کرد که مدل از پایایی لازم برخوردار است.

اشتراک گذاشته شود و موفقیت سازمان را تضمین نماید. به عبارت دیگر، این دانش حیاتی و مهم هنگامی به جریان می‌افتد که افراد تمایل به همکاری و به اشتراک‌گذاری دانش داشته باشند و علاوه بر آن تمهیدات و سازوکارهای مناسبی نیز به وسیله‌ی سازمان در این مورد فراهم شود.

بکارگیری شیوه‌های نوآورانه‌ی رهبری متعهد و هوشمند با بهره‌گیری از فرهنگ کارآفرینانه‌ی دانشگاهی موجب ارتقای خرد پداگوژیکی در دانشگاه خواهد شد. شناسایی و توجه به فرهنگ دانشگاهی برای رشد دانش آفرینی و توسعه‌ی علمی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. استقلال دانشگاهی و آزادی علمی، مشارکت اعضای هیأت علمی در فرایند جذب و انتصاب و مدیریت‌های دانشگاه، گسترش فضای رقابت فکری و علمی بجای سایر رقابت‌های مخرب همچون رقابت‌های سیاسی، پیشگام بودن افراد برای نوآوری و نوپژوهشی، کاوش آزادانه علمی، تحمل ابهام به معنای بردباری در برابر وضعیت‌های نامشخص، باز بودن فرهنگ دانشگاه نسبت به پذیرش وضعیت تضادآمیز و وجود الگوی ارتباط خاص در دانشگاه-ها از جمله مؤلفه‌های فرهنگ دانشگاهی محسوب می‌شوند که در صورت تقویت این مؤلفه‌ها در جامعه‌ی علمی، شاهد کارآمد شدن دانشگاه خواهیم بود. همچنین رهبری هوشمند با تأکید بر مدیریت هدف، هوش عاطفی و هیجانی؛ معنا و هدف‌مندی و پیشبرد روحیه‌ی کار تیمی و پرورش حس جستجوگری می‌تواند بر عملکرد استادان و دانشجویان تأثیرگذار باشد و بر توسعه‌ی روزافزون و همه‌جانبه‌ی در دانشگاه آزاد اسلامی در زمینه‌ی ارتقای خرد پداگوژیکی بیفزاید.

با توجه به نتایج پژوهش در هنگام انتخاب استراتژی‌ها و اقدامات به شرایط مداخله‌گر از جمله ویژگی‌های شخصیتی، اهداف متناقض، پیچیدگی شناختی، گرایش به ثبات، رفتار تسهیم دانش در آموزش عالی و شایستگی‌های مورد نیاز توجه نمایند تا در انتخاب راهبردهای خود دچار اشتباه نشوند. مفهوم پیچیدگی شناختی از نظر معنایی همسو با مطالعات گیدلی (۲۰۱۶) می‌باشد. پیشنهاد می‌شود مدیران و سیاست‌گذاران، ضمن ایجاد زمینه‌ی لازم جهت به اشتراک‌گذاری دانش بین استادان و دانشجویان، موجب کاهش اینرسی دانشگاهی و افزایش بهره‌مندی از شایستگی‌های فرهنگی، علمی، ارتباطی، ادراکی و آموزشی در محیط دانشگاه‌ها را فراهم آورند. به اشتراک‌گذاری دانش بین اعضای هیأت علمی و در درون و در بین تیم‌ها به دانشگاه اجازه می‌دهد تا از منابع، بر مبنای دانش بهره‌برداری نمایند و آنها را به سرمایه تبدیل کنند. در همین راستا، دانش اعضای هیأت علمی را شکل خاصی از دانش بیان می‌کنند که می‌تواند تحت شرایط خاص به

## منابع

Biesta, G. J. J. (2014). *The beautiful risk of education*. Boulder: Paradigm Publishers. Retrieved from: <https://doi.org/10.4324/9781315635866>

Bracher, Mark. (2021). "Foundations of a Wisdom-Cultivating Pedagogy: Developing Systems Thinking across the University Disciplines" *Philosophies* 6, no. 3: 73. Retrieved from:

<https://doi.org/10.3390/philosophies6030073>

Clinton, Jones (2011). *Principal As Facilitators Of Professional Development With Teachers As Adult Learners*. Dissertation for the degree of Doctor of Philosophy in Education In the graduate School of the University of Missouri. Retrieved from: <https://irl.umsl.edu/dissertation/421>

Cook-Sather, A. (2011). *Teaching and learning together. To Improve the Academy*, 29(20210331). Retrieved from: doi:10.1002/j.2334-4822.2011.tb00633.x

Corbin, J. and Staruss, A. (2007). *Basics of Qualitative Research*. Third Edition. London: Sage Publications. Retrieved from: doi:10.4135/9781452230153

Creswell, J. W. (2012). *Educational research: Planning, conducting, and evaluating quantitative and qualitative research* (4th ed.). Boston, MA: Pearson. Retrieved from: <https://www.pearson.com/us/higher-education/product/Creswell-Research-Planning-Conducting-and-Evaluating-Quantitative-and-Qualitative-Research-4th-Edition/9780131367395.html>

Gidley, J. M. (2016). *Postformal education: A philosophy for complex futures*. Springer. Retrieved from: <https://doi.org/10.1007/978-3-319-29069-0>

Gidley J.M. (2021) *Postformal Psychology: The New "Normal" in Times of Exponential Change*. Retrieved from: doi: 10.1007/978-3-030-38270-4\_8

educational settings. *Educational Psychologist*, 36(4), 227–245. Retrieved from: [https://doi.org/10.1207/S15326985EP3604\\_2](https://doi.org/10.1207/S15326985EP3604_2)

محمدپور، احمد، (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی

ضد روش، جلد اول (منطق و طرح در روش‌شناسی

کیفی)، تهران، انتشارات جامعه شناسان، ص-۱۲۴  
۲۱۲

Sinnott J.D., Rabin J.S. (۲۰۲۱) *The Psychology of Political Behavior in a Time of Change. Identity in a Changing World.* Springer, Cham. Retrieved from: <https://doi.org/10.1007/978-3-030-38270-4>

Glück, J. (2017). Measuring wisdom: Existing approaches, continuing challenges, and new developments. *The Journals of Gerontology: Series B*, 73(8), 1393-1403. Retrieved from: <https://doi.org/10.1093/geronb/gbx140>

Grunspan, D. Z., Kline, M. A., & Brownell, S. E. (2018). The lecture machine: A cultural evolutionary model of pedagogy in higher education. *CBE—Life Sciences Education*, 17(3), es6. Retrieved from: <https://doi.org/10.1187/cbe.17-12-0287>

Jääskelä, P., Häkkinen, P., & Rasku-Puttonen, H. (2017). Teacher beliefs regarding learning, pedagogy, and the use of technology in higher education. *Journal of Research on Technology in Education*, 49(3-4), 198-211. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/15391523.2017.1343691>

Keränen-Pantsu, R., & Heikkinen, H. (2019). Pedagogical purposes of narratives in worldview education: Teachers' conceptions. *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*, 18(5), 58–72. Retrieved from: <https://doi.org/10.26803/ijlter.18.5.5>

Matthews, A., McLinden, M., & Greenway, C. (2021). Rising to the pedagogical challenges of the fourth Industrial Age in the University of the future: An integrated model of scholarship. *Higher Education Pedagogies*, 6(1), 1-21. Retrieved from: <https://doi.org/10.1080/23752696.2020.1866440>

Phelan, Anne & Sumsion, Jennifer (2008). *Critical Reading in Teacher Education.* SENSE PUBLIHERS. Retrieved from:

Sternberg, R. J. (2001). Why schools should teach for wisdom: The balance theory of wisdom in

Tynjälä, P., Kallio, E. K., Heikkinen, H. L. T. (2020). Professional Expertise, Integrative Thinking, Wisdom, and Phronēsis. In E. K. Kallio (Ed). *Development of Adult Thinking. Interdisciplinary Perspectives on Cognitive Development and Adult Learning.* London: Routledge. Retrieved from: <https://doi.org/10.4324/9781315187464>

Weststrate, N. M., Ferrari, M., Fournier, M. A., & McLean, K. C. (2018). “It was the best worst day of my life”: Narrative content, structure, and process in wisdom-fostering life event memories. *The Journals of Gerontology, Series B: Psychological Sciences and Social Sciences.* Advance online publications. Retrieved from: DOI:10.1093/geronb/gby005

